

آچارکشی

پدردولایه ایران

● **بوریا عالمی:** ما از بچگی وقتی کم می‌آوردیم و زورمان نمی‌رسید فحش می‌گذاشتیم. مؤدبانه‌اش می‌شود حرف درشت. این‌طوری که مثلاً توپ پلاستیکی ما کم‌باد بود و شوت می‌زدی، شتاب اولیه نداشت، در طول مسیر هم اعتباری بهش نبود که پنجر نشود. برای اینکه توپمان را به حالت استاندارد نزدیک کنیم، مجبور بودیم توپ را لایه کنیم.بعد وقتی توپ دولایه می‌شد، باید رفتار مراقبتی پیش می‌گرفتیم چون اگر توپ دولایه می‌خورد توی سروصورتمان، دماغ آدم را می‌شکست و کلی خسارت دیگر داشت که همه می‌دانند. این توپ دولایه کل کسب‌وکار ما را تأمین می‌کرد چون بچه‌های محله باید با یک چیزی سرشان را گرم می‌کردند. تویی پنج تومان پول می‌دادیم و توپ یک‌لایه تیپ یک را ۱۵ تومان و توپ دولایه تیپ دو را ۲۵ تومان می‌فروختیم. از کنار همین توپ پلاستیکی دوتا خانه توی شهرک غرب و یک ویلا توی شمال و یک شله توی میگون و ۱۵ کارخانه تولید مونتاز توپ پلاستیکی در ۱۵ شهر صنعتی درآمده بود. اما با اینکه دنیا به توپ چهل‌تکه رسیده بود، ما اعلام کرده بودیم تکه بزرگ هرکسی گوشش است اگر به سمت توپ چهل‌تکه برود. البته خودمان سeta توپ چهل‌تکه به قیمت هزارو ۵۰۰ تومان پشت وپترین گذاشته بودیم برای فروش. چند خریده بودیم؟ ۱۵۰ تومان. خلاصه همین توپ‌های دولایه کم‌باد مستعمل قراضه به‌دردنخور تنها توپ کوچ‌ه بود. چرا؟ چون ما تنها بقالی کوچ‌ه را داشتیم و تنها واردکننده توپ به محله محسوب می‌شدیم و توپ چهل‌تکه را به قیمت جان می‌فروختیم. اما یک روز صبح زود تابستانی ما متوجه شدیم کسی دیگر توپ پلاستیکی از ما نمی‌خرد و همه می‌خواهند از بقالی محله بقالی توپ چهل‌تکه به قیمت ۱۵۰ تومان بخرند که با هزینه واردات و اینا قیمت تمام‌شده‌اش می‌شد ۱۷۰ تومان. همان تویی که ما می‌دادیم هزارو ۵۰۰ تومان! به جان عالمی ما در لحظه تاریخی خاصی بودیم که داشتیم ورشکست می‌شدیم. در همین لحظه بود که فحش می‌گذاشتیم که هرکسی توپ چهل‌تکه بخرد، «چی و چی» است و نسبت به محله و بقالی باستانی محله که نماد محله بوده خیانت کرده است. ما با همین فرمول تا حالا زندگی‌مان را پیش برده‌ایم. این‌طوری که برای هر کاری که می‌کنیم، دوتا فحش می‌گذاریم که اگر کسی از ما حمایت نکند، نه‌تنها خیانتکار که «چی و چی» است. به جان عالمی با همین فرمول ما نویسنده که هیچی اگر تولیدکننده و خودروساز و ماست‌بندی و کبابی هم داشتیم، کارمان را پیش می‌بردیم.

شرق روزنامه

www.sharghdaily.ir

شنبه ۱۴ شهریور ۱۳۹۴ • ۲۱ ذی‌القعدة ۱۴۳۶ • ۵ سپتامبر ۲۰۱۵ • سال سیزدهم • شماره ۲۳۸۹ • ۲۰ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۳:۰۳ • اذان مغرب ۱۹:۴۵ • اذان صبح فردا ۵:۱۳ • طلوع آفتاب ۶:۴۰

روزانه‌فردا

fardashargh@gmail.com

کارتون خواب

علی رومانی
alioromani84@gmail.com



شرق: ساختمان شماره دو خانه سینما، در خیابان وصال، روز گذشته میزبان سینماگرانی بود که یک هفته پیش از روز جشن سالانه‌شان، آمده بودند تا با یکی از منتقدان و کارگردان‌های شاخص این سال‌های سینما، ایرج کریمی، که روز چهارشنبه در ۶۲ سالگی درگذشته بود، وداع کنند. چهره‌هایی همچون بهمن فرمان‌آرا، صفی یزدانیان، مانی حقیقی، کامبوزیا پرتوی، محسن امیریوسفی، جعفر پناهی، سحر دولتشاهی، باران کوثری، شادمهر راستین، شهرام مگر، حبیب رضایی، فرشته صدرعرفایی و... آمده بودند تا خالق «باغ‌های کندلوس» را بدرقه کنند. در این مراسم، هوشنگ کلمکانی، منتقد و سردبیر ماهنامه «فیلم»، با بغضی که آخر هم شکست، درد فقدان این منتقد را چنین توصیف کرد: در فیلم‌ها دیده‌ایم که وقتی شخصی ضربه می‌خورد، ابتدا متوجه نمی‌شود، اما بعد از چند لحظه تازه می‌فهمد چه اتفاقی افتاده است؛ همه کسانی که اینجا هستند، حالا در بهت و ناباوری هستند و نمی‌دانند با آوار این واقعیت چه کنند! ایرج خود اهل آمدن به این مراسم‌ها نبود اما آن‌قدر زنده و نزدیک است که فکر می‌کنم ممکن است همین حالا سروکله‌اش پیدا شود.

عباس باری، دوست و همکار دیگر ایرج کریمی، در مجله فیلم هم گفت: شاید چندتا از آخرین تلفن‌هایی که ایرج از بیمارستان زد، به سلامتی من مربوط بود. او از بیمارستان زنگ می‌زد و برای من وقت دکتر می‌گرفت؛ شاید باورکردنی نباشد که او فردی تا این حد مهربان و احساساتی بود. وقتی او برای من وقت دکتر می‌گرفت،



به این معنی است که خودش بیماری‌اش را باور نداشت و بسیار مقاوم بود. کمال تبریزی، فیلم‌ساز و رئیس کانون کارگردانان، هم در سخنانی یاد کریمی را چنین گرامی داشت: آسمان هنر ایران ستاره‌ای را از دست داد که متفاوت بود؛ هم در فیلم‌سازی و هم در نوشتن نقد. شخصیت، رفتار، آرامش و وقار او در برخورد اول به چشم می‌آمد و ما کسی را از دست دادیم که حضور و تأثیراتش بر ما همیشه محسوس بود. ما این‌روزها بخش مهمی از هنرمندان را از دست می‌دهیم و این مسیری است که همه ما طی خواهیم کرد.فرشته طانپور، تهیه‌کننده، هم این‌چنین از کریمی یاد کرد: ایرج کریمی در نوشته‌هایش همواره دقت و انصاف را رعایت می‌کرد و در زندگی او نقطه‌ای برای پشتیبانی نیست اما در زندگی ما که باید در این روزهای آخر کنار او می‌بودیم، جای پشتیبانی هست.سخنان فرهاد توحیدی در مراسم وداع با کریمی نیز رنگ‌بویی انتقاد داشت. این فیلم‌نامه‌نویس و رئیس پیشین هیأت‌مدیره خانه

پشت جلد

آیا خواب خوشی پریشان شده است؟

رسانه واقعا کارکرد اصلی خود را بروز می‌دهد. عکس جنازه کودک غرق شده، به طور نمادین، یازتایی از همه کارکردهایی است که برشمرده شد. این عکس، بخشی از کارزار نابرابر و به‌تاباهی‌کشیده‌شده سیاسی در دنیا را نشان می‌دهد که مردم عادی و به‌ویژه کودکان قربانیان اصلی آن هستند. رسانه اگر رسانه باشد، باید هرروز از اخبار مشابه، به‌نوعی خبررسانی کند که عمق فاجعه به همین ترتیبی که در مورد این کودک نشان داده شده، به مخاطب منتقل شود. رسانه اگر رسانه باشد، باید به‌جای قرارگرفتن در نقطه سودازدگی و پرداختن به مسائل کم‌ارزش یا زرد و بی‌محتوا، در سمت بی‌پناهان بایستد و از حقوق عمومی دفاع کند. رسانه اگر رسانه باشد، باید ناهمواری راه را به جان بخرد و فساد و نابرابری و بی‌پناهی انسان را در دستور نخست کار خود قرار دهد. رسانه اگر واقعا می‌خواهد کارکرد واقعی رسانه‌ای داشته باشد، باید بداند کارش انتشار خبر است و نه بازماندن از انتشار آن به هزاران بهانه. عکس جنازه این کودک، وقتی کار خود را می‌کند که خواب خوشی را پریشان کند. این خواب خوش معمولا در سوبه قدرت است.

هم بدون کارکرد اصلی رسانه -که همان اطلاع‌رسانی بی‌دغدغه و بی‌کم‌وکاست است- ممکن نیست. رسانه در جنگ و همه روبرویی‌های بشری باید در خط مقدم باشد. این روبرویی‌ها فقط کارزار زدوخورد قدرت‌مداران نیست بلکه طرف دیگر آن مردمی ایستاده‌اند که با جان و مال خود، هزینه اصلی جنگ را می‌پردازند. حضور رسانه در جنگ، از حضور جنگ‌جویان در هر دو سو مهم‌تر است. دوم اینکه رسانه باید فساد را در زوایای تاریک روابط و عملکردها نشان دهد. هزینه اصلی این فساد را هم مردم می‌پردازند. حضور رسانه در اینجا چه‌بسا از حضور در میادین رسمی جنگی سخت‌تر است. سوم اینکه رسانه باید در دعوایهای سیاسی و اقتصادی، واقعیات را از نمایش‌های ظاهری تفکیک و اصل موضوع را نشان دهد. اینجا هم مردم باید هزینه اصلی را بپردازند. بسته به موضوع و اهمیت این دعوها، حضور رسانه معمولا مزاحم تلقی می‌شود، بنابراین حضور یا استمرار حضور آنها دشوار است. از همه نکات بالا مهم‌تر اینکه رسانه باید همواره در سوبه حقوق شهروندان و نه اصحاب قدرت بایستد، تنها در این موارد است که یک



کریم ارغنده‌پور

در روزهای گذشته عکس دلخراش جنازه یک کودک پناه‌جوی غرق‌شده، دنیا را تکان داده است. هنوز نمی‌دانیم که آیا موج احساس و روشنگری که این عکس در دنیا برانگیخته، عملا باعث ایجاد تغییر محسوسی در روند فعلی می‌شود یا نه؟ ولی عکس کار خود را کرده است. این تأثیر فوق‌العاده تصویر است وگرنه روزانه اخبار فبیج‌تری در سطح وسیع منتشر می‌شود اما چنان که باید جدی گرفته نمی‌شود. درباره این عکس و روند غریبی که جهان دارد طی می‌کند، این‌روزها زیاد می‌نویسند. نکته اصلی این یادداشت اینها نیست، حتی مویه بر جان بی‌ارزش‌شده انسان در غرب هم نیست. نکته من یادآوری وظیفه اصلی رسانه و چالش با افرادی است که روشنگری را برنمی‌تابند. همه تغییرات اساسی در جهان به‌واسطه روشنگری اتفاق می‌افتد و روشنگری

پیشخوان

توافق هسته‌ای و افق‌های نو در صنعت نفت اشاره می‌شود. «توسعه صنعت نفت» به صاحب‌امتیازی علی صادقی، مدیرمسئولی مجتبی کریمی و سردبیری مهدی افشارنیک منتشر شده است.

نخستین شماره دوره جدید به موضوعاتی مانند: نفت در دوران پساتحریم، قراردادهای جدید نفتی، حضور شرکت‌های خارجی در پروژه‌های نفت و گاز، پایان تحریم ایران و آثار آن بر بازار گاز طبیعی و

● نخستین شماره دوره جدید نشریه «توسعه صنعت نفت» منتشر شد. نشریه توسعه نفت، با رویکرد و شکلی تازه منتشر شد که بی‌ارتباط با تغییر فضای کلی صنعت نفت و کشور نیست. در



مقدم مهر مهدی

همراه با گروه سونامی

نمایشگاه بین المللی تهران

ققنوس ۲۲۷۲۸۰۰۷

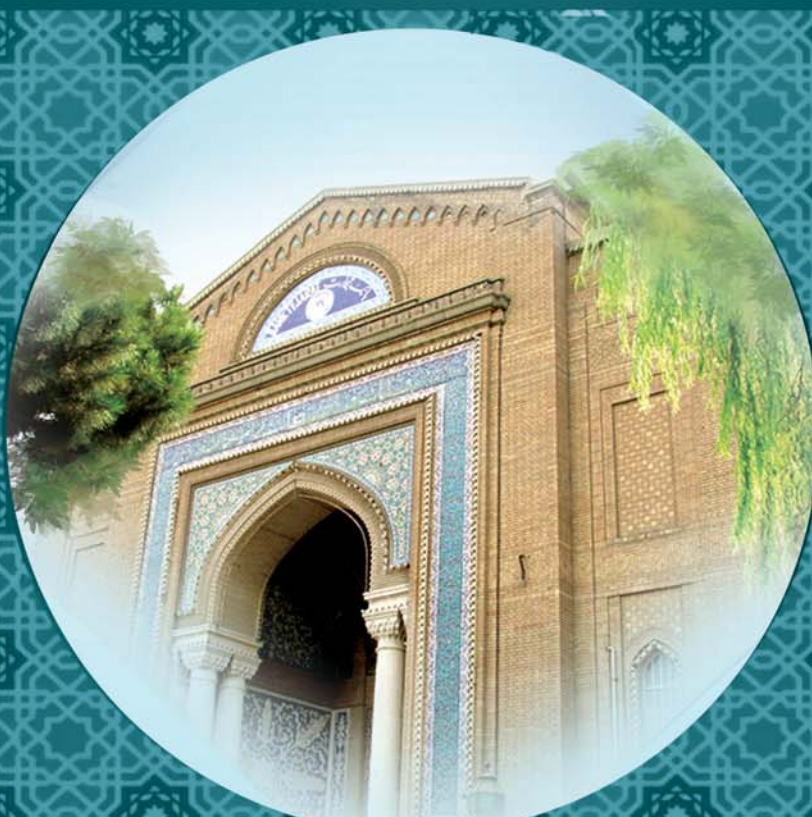
خرید اینترنتی (با امکان انتخاب صندلی)

iranconcert.com



بانک تجارت

روابط عمومی



هفته بانکداری اسلامی را گرامی می‌داریم